



اقتصاد سینمای ایران

سلسله میزگردهای تخصصی  
سینمای ایران (۲)

# سینمای ایران در کشاکش بخش خصوصی و دولتی

با انتشار شماره‌ی پیشین مجله و چاپ نخستین بحث میزگرد، نطفه‌ی سلسله میزگردهای «نقد سینما» پیرامون موضوع اقتصاد سینمای ایران رسماً شکل گرفت و خوشبختانه واکنش‌های بسیار زیاد و مثبتی را در میان سینماگران و سینمادوستان برانگیخت. دریافت نظرات اهالی سینما و مشتاقان هنر هفتم در ابتدای راه کار را بر ما سخت کرد تا در این شماره وسواس بسیار بیش‌تری به خرج دهیم.

در این شماره تصمیم گرفتیم کمی بحث را متمرکزتر کرده و در مورد اقتصاد و ماهیت سینمای خصوصی و دولتی صحبت کنیم. با دعوت آقایان «مرتضی شایسته»، «امیرحسین شریفی»، «منوچهر شاهسواری» و همراهان همیشگی این میزگردها آقایان «سیدحسین حقگو» و «چهار آذین» بحث این شماره شکل گرفت. بسیاری از سینماگران قطعاً می‌دانند که این سه تهیه‌کننده مهمان از لحاظ تکرش به سینما با همدیگر تشابهات و تفاوت‌های زیادی دارند، اما نکته‌ی جالب این‌که وقتی صحبت از سینمای ایران و منافع و حیات آن به میان آمد، چنان‌با یکدیگر همدل و متحد شدند و دفاع از هم برآمدند که وحدت کلامشان حسرت‌آور بود و این نکته را به ذهن متبادر کرد که اختلاف نظر و سلیقه در سایه‌ی وحدت، یکی از نشانه‌های بلوغ است. به هر حال این مقوله خوب و مفصل پیش رفت که به علت کمبود فضای کافی در مجله مجبور شدیم مطالب این میزگرد را در دو شماره به چاپ برسانیم. امید است که خواندن مطالب این شماره برای شما عزیزان ترمیم‌بخش و تشریحی در این مورد نتیجه دهد.

معمد رضا لطیفی

## سینمای دولتی و سینمای خصوصی

لطیفی: در جلسه‌ی گذشته به بررسی کلی اقتصاد سینمای ایران در لابل و اوایل انقلاب پرداخته شد. در این جلسه به مسئله‌ی اقتصاد به صورت عمیق‌تری پرداخته خواهد شد و طبق توافق به عمل آمده، موضوع واحدی را دنبال خواهیم کرد. اقتصاد سینمای ایران در بخش خصوصی و دولتی و این‌که آیا سینمای ما اساساً سینمای دولتی است یا خصوصی و تفاوت‌های میان این دو، به عنوان اولین سوال، آقای شایسته بفرمایید که سینمای ما دولت‌محور است یا خصوصی؟

شایسته: با نام و یاد خداوند در سینمای ما یک حالت ترکیبی وجود دارد. ترکیبی از بخش دولتی و خصوصی که تکلیف هیچ‌کدام از آن‌ها مشخص نیست؛ در برخی شرایط شاهد حرکت پررنگ دولت و گاهن اوقات نیز شاهد حرکت‌هایی از بخش خصوصی هستیم. در حال حاضر ما بخش خصوصی داریم؛ تهیه‌کنندگانی که با تکیه به سرمایه، تجربه و مدیریت خود در حال فعالیت هستند. تعداد و امپا و تسهیلات نسبت به گذشته به‌شدت کاهش یافته و در مواردی اصلاً در اختیار گذاشته نمی‌شوند. نقش دولت ما نسبت به سال‌های دهه‌ی ۶۰ تا ۷۵ - ۷۰ بسیار تعدیل شده است. در آن زمان، دولت هم نظارت‌ها هم حمایت و هم دخالت می‌کرد؛ طی شدن یک پروسه‌ی طولانی برای دریافت وام، بیانگر همین مسئله است. نگاه دولتی در بخش سینما به جای این‌که از قوانین حمایت کرده و امنیت و فضای ابدال را برای تهیه‌کنندگان و ساختن

فیلم به وجود بیورد، برعکس عمل کرده و سلب امنیت می‌کند؛ مثلاً فیلمی که پروانه‌ی ساخت می‌گیرد جلوی ساخته شدن آن را می‌گیرد. فیلمی که به مرحله‌ی اکران می‌رسد جلوی اکران آن را می‌گیرد و دخالت‌های این‌چنینی در بخش دولتی، حمایت‌های عادی که در زمان آقای همدان به‌داده شکل و شمایل داشت و کاملاً قانون‌مند روال خود را طی می‌کرد تبدیل شد به شکلی کاملاً خاص.

زمانی این بحث مطرح بود که ما از پروژه‌های ارزشی و ویژه حمایت می‌کنیم، اما حالا این گونه نیست؛ این حمایت‌ها تنها شامل یکسری افراد خاص می‌شوند. هر فیلمی هم که بخواهند می‌توانند بسازند. آزادی که ما می‌گوییم این است؛ بودجه‌ای که در اختیار دولت برای حمایت از کار دولتی قرار می‌گیرد صرف بخش خصوصی می‌شود؛ چون بخش خصوصی ما عملاً دستش از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کوتاه است. در کشورهای خارجی نظیر کانادا، آمریکا و ... تهیه‌کننده تنها عهددار بخش از سرمایه‌ی کار است و باقی هزینه‌ها توسط شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ تأمین اعتبار می‌شود؛ دقیقاً چیزی که ما نداریم. تهیه‌کنندگان ما رابطه‌ی با بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ندارند. در صورتی که اگر این ارتباط باشد ما خیلی راحت‌تر خواهیم بود. ما ترجیح می‌دهیم رابطه‌ی خودمان را با بخش اعتباری ایجاد کنیم قطع کرده و مانند سایر صنایع با بخش اعتباری ساخت خودمان به بانک مراجعه کنیم تا به ما وام و تسهیلات بدهند. با همان بازپرداخت منی یا بهره‌ی زیر





سینمای ایران در حال ساخت فیلم

۵ درصد با بازپرداخت ۵ ساله و ۱۰ ساله بودجه‌ی بخش خصوصی عملاً در پروژه‌های دولتی هزینه می‌شود؛ دولت بودجه‌ی را که باید به عنوان حمایت از بخش خصوصی هزینه می‌شد هزینه نکرده و به نوعی بخش خصوصی را تضعیف هم کرده است. در واقع آن چیزی که به عنوان بخش خصوصی شناخته می‌شود، با ساختن روی پای خودش ایستاده تا موجودیت خود را حفظ کند.

روابط اقتصادی در سینمای ایران عادلانه نیست و جایز است که بگوییم در بسیاری موارد در ارتباط با بخش خصوصی با حالت عناد و دشمنی برخورد می‌شود در واقع کسی که بودجه‌ی کلانی در اختیار دارد در تمام مراحل بعدی نیز شامل انواع حمایت‌ها می‌شود در نتیجه در بخش هزینه و تولید سهم دولت به جای خود باقی است ولی به شکل خاص، بخش خصوصی هم وجود دارد به سختی، اما درآمد بخش خصوصی از دولتی بیشتر است، چون پروژه‌هایی که دولت هزینه می‌کند آن‌ها را پرداخته در مراحل بخش و اگر آن با شکست مواجه می‌شوند و مخاطب ندارند به عنوان مثال فیلمی که با ۶۰۰ میلیون تومان بودجه تنها ۴۰ میلیون تومان فروش می‌کند در حالی که در بخش خصوصی با ۲۰۰ میلیون تومان سرمایه فیلم موفقیت ساخته می‌شود و همین باعث می‌گردد که برخی مسئولان نسبت به بخش خصوصی حالت کینه‌توزی پیدا کنند، چرا که تهیه‌کننده‌ی مورد تأیید آن‌ها با آن سرمایه‌ی هنگفت به فروش موفق دست پیدا نکرده است دولت توان پرداخت پول توجهی به کسی را ندارد و اقتصاد سینمای ایران با این وضعیت نابود و پرورنده‌ی آن مختومه است ما نمی‌خواهیم محصولاتمان را برای بهترین و جشنواره‌های داخلی تولید کنیم یا بگوییم فلان فیلمساز متدین ما امسال فلان فیلم را عرضه کرده و وضع همین است اگر هم بخواهیم فیلمی بسازیم که هم با مخاطب ارتباط برقرار کند و هم فروش داشته باشد بسپاریم ...

یکسان حمایت کند و بازگشت سرمایه هم پیش‌بینی شود در این صورت است که افراد تئیل نیز وارد میدان رقابت شده و به این می‌اندیشند که باید فیلمی بسازند که با مردم ارتباط برقرار کند و سرمایه هم بازگردند در واقع می‌توان این‌گونه بیان کرد که بازگشت سرمایه از محل‌های پیش‌بینی شده‌ی مهندسان، ویدیو و ... رمز بقای سینماست.

### سینمای پیمار و سلیقه‌ی

شرفی، پیرو سخنان آقای شایسته من به شخصه با همه‌ی این مسائل بخصوص در فیلم «شک سرما» دست‌وپنجه نرم کردیم. این فیلم توسط بخش خصوصی تولید گردید و وامی نیز از طرف بنیاد فارابی در اختیار من گذاشته شده اما امکانات فنی با من به قیمت آزاد حساب شد و برای این فیلم با ارزش سوپساید قابل نشاندن فیلم را به قیمت ۸۰ میلیون تومان به تلویزیون فروختیم تا بتوانم بدی‌ها را بپردازم. ولی بنیاد فارابی پول را توقیف کرد که آقای شایسته در جریان آن هستند این دست‌مزد بخش خصوصی برای ساخت یک فیلم مکتدگار در تاریخ سینمای ایران است، در عوض دوستانی هم وجود دارند که سرمایه‌های میلیاردی دریافت می‌کنند ولی بازده آن‌ها هرگز مانند اشک سرما نبوده و هیچ کجا قابل ارایه نیست خود این‌مطلب به عنوان یک تهیه‌کننده‌ی بخش خصوصی به طرف تلویزیون رفتم که بتوانم کار کنم در صورتی که حرفه‌ی اصلی من تهیه‌کنندگی سینماست چرا ما نباید بتوانیم روی پای خودمان بایستیم و با پرولهای ساخت خودمان از دو تا پنج وام بگیریم و سود زحمتان را خودمان ببریم؟ این مشکلی است که سینمای ما با آن دست‌به‌گرفته است. پروانه‌ی وزارت ارشاد برای هیچ سلامتی مختبر نیست و هر کسی برای خودش به‌طور مجزا فیلمنامه تصویب می‌کند برای فیلم می‌خواستیم از برق منطقه استفاده کنیم انرژی برق گشت که اول فیلمنامه‌تان را به‌پایوردم

به نظر من مطالبی که مقام معظم رهبری در ارتباط با خصوصی‌سازی فرمودند در حوزه‌ی بانک‌ها، شرکت‌ها و ... خلاصه نمی‌شود؛ حتی جناب «جهانبین» ریاست محترم حوزه‌ی هنری نیز فرمودند که خصوصی‌سازی در حوزه‌ی فرهنگ باید با طرفت و پیچیدگی‌های خاصی اجرا شود و اگر نشود فیلمسازان ما تبدیل به عناصری تئیل و سوباستادگر خواهند شد، چرا که ما نگوییم نبرد و مبارزه را از آن‌ها سلب کرده‌ایم. فیلمسازان را در نظر بگیریم که فیلم‌آلودان را ساخته و هنوز به آکران نرسیده فیلم دوم خود را شروع می‌کنند در میانه‌های فیلم دوم شروع به ساخت یک فیلم ۹۰ دقیقه‌ی کرده و در این گیر و دار عهدمدار ساخت یک مجموعه‌ی تلویزیونی هم می‌شود؛ نتیجه‌ی تمام کارهای او قلیصه است! اگر این روند ادامه پیدا کند، نتیجه این خواهد بود که بخشی خصوصی خودش را جمع می‌کند، بخش دولتی هم تبدیل به عنصر تبلیغات و ویژگی می‌شود چون به بازگشت سرمایه اهمیت نمی‌دهد و از کانال‌سوز این عرصه هم بعد از مدتی تحمل خود را از دست داده و کناره‌گیری خواهند کرد. همین‌طور عوامل ما را با یک فاجعه‌ی اقتصادی مواجه می‌کنند که آن‌ها در آن در بخش درآمد روبرو هستیم و راه جلوگیری از این روند همان است که مقام رهبری فرمودند؛ دولت باید از تهیه‌کننده‌ی بخش تولید کناره‌گیری کرده و از تمام پروژه‌ها با توجه به بودجه‌ی که در اختیار دارد به‌طور







**امیرحسین شریقی:**  
**پروانه‌ی وزارت**  
**از شهادت برای هیچ**  
**سازمانی معتبر**  
**نیست و هر کس**  
**برای خودش به‌طور**  
**مجزا فیلمنامه**  
**تصویب می‌کند!**

بازیگران این پروژه‌ها برای مدت طولانی حقوق دریافت می‌کنند و در خلغهای خود خولیدند، چرا؟ چون با این پروژه‌ها به شکل طولانی مدت قرارداد بستند. چرا نباید پروژه‌یی مانند «مختار» به شکل سینمایی ساخته شود؟ چرا نباید به جای ۵۰ قسمت یک مجموعه‌ی تلویزیونی، یک فیلم سینمایی خوب سینمایی درباری مختار ساخته شود که قابلیت فروش به کشورهای خارجی را هم داشته باشد؟ پروژه‌های الف ویژه که بارها مخالفت خود را با آن‌ها اعلام کرده، بزرگترین لطمه را به پیکر سینما وارد می‌کنند و حتی خود مدیران هم این را پذیرفته‌اند. اقتضای سینما را باید از ابتدای آن که همان پروانه‌ی ساخت است عیب‌یابی و درمان کرد.

### فیلم سینمایی؟

آذین: لازم می‌دانم که در ابتدا مختصری از بحث جلساتی گذشته را یادآوری کنم؛ صحبت‌های جناب دادگو و شاهسواری در این جلسه کارآمد خواهند بود. جناب شاهسواری سینمای ایران را سینمایی بالغ و باشخصیت قلمداد کرده، همچنین نشان دادند که سینمای ایران را به عنوان یک صنعت قبول ندارند؛ برعکس ایشان، آقای دادگو سینمای ایران را موجودی صحیح‌الخلق خوانده و آن را صنعت نامیدند. با توجه به این نکات باید بگویم بخش دولتی سینمای ما بخش خصوصی را به رسم تمام گفته‌ها باور و به آن اعتماد ندارد. چرا که اساساً باور سینما را باور نمی‌کند و نشان می‌دهد که سینمای ایران نیاز به سپهرست و قلم داشته و باید آن را در حوزهی آندیشه و عمل سرپرستی کرد. همچنین در جلساتی قبل به سینمای ملی اشاره شد که خود بحث مفصل دیگری است و این صحبت مطرح شد که وضعیت فعلی سینمای ایران را از دریچه‌ی سینمای نفت بررسی کنیم که به آن هم خواهیم رسید البته این که تفکر و نگاه دولتی، بخش خصوصی را قبول ندارد، زادی این توجیه است که اگر سینما را به بخش خصوصی بسپاریم فیلم‌هایی ساخته خواهند شد که برخلاف باورهای دینی، انقلابی و فرهنگی جامعه بوده و مانند گذشته فیلمفارسی را رواج خواهد داد؛ اما این که این باور دولتی تا چه حد درست است، و مصدق کرد و یا اساساً وارد است یا نه، موضوع مهم، یک میزگرد می‌تواند باشد.

بخوانیم و تصویب کنیم بعد به شما برق بدهیم! اقتضای سینمای ما از بیان خراب است. تمام این معضلات و دوستگی‌ها به کنار، فیلمی ساخته می‌شود اجازه‌ی اکران می‌گیرد اما موقع اکران دستور می‌دهند که فیلم را بکشید پایین، با این وضعیت آیا تهیه‌کننده‌ی بخش خصوصی امنیت دارد؟ ما امنیت ملی نداریم و این خود مفضل بزرگی است؛ از گرفتن پروانه تا اکران مسیر نامشخصی پیش پای ماست و نمی‌دانیم حتی اگر فیلم ساخته شود آیا فردا روزی اکران خواهد شد یا نه؟! فیلمی مانند شک‌سرماساخته می‌شود اما در بخش توزیع به مشکل برمی‌خورد و دوستانی که من را می‌شناسند می‌گویند شریقی، تیزر را نمی‌توان بخش کرد بعد از نامگذاری‌ها با ریاست سازمان و... تا مجوز بخش تیزر را گرفتیم، فیلم از اکران خارج شد و تماماً چیز تیزر بخش نشد؟ چون موهایی خانم «کلیشفته‌فراهانی» کمی پیناستا ولی همین فیلم که تیزرش را بخش نکردند از شبکه‌ی دوم سینما به مدت ۱۰۲ دقیقه بدون این که حتی یک فریم آن هم کاسته شود به‌طور کامل بخش می‌کردند؛ این یعنی چقدر یعنی این که سینمای ایران بیمار و سلیقه‌یی است. بخش تیزر بسته به حال و احوال مدیری است که آن را می‌بیند؛ اگر حال خوشی داشته باشد تیزر هم بخش می‌شود و اگر حالش خوب نباشد بخش نمی‌شود! اگر این فیلم، فیلم بدی بوده چرا ۸۰ میلیون خریداری می‌شود و اگر خوب است چرا اجازه‌ی بخش تیزر آن را نمی‌دهند؟ چرا فیلم را دو بار خریداری کرده ولی چهار بار بخش می‌کنند؟ این اقتضای بیمار باید ریشه‌ی درمان شود، باید بتوانیم سرمایه‌گذار جذب کنیم، بارها دوستان و آشنایان پیشنهاد سرمایه‌گذاری در فیلمی را می‌دهند ولی من از ترس توقیف شدن کار نمی‌توانم پیشنهاد آن‌ها را قبول کنم. چرا که دوست و فامیل خودم را هم به همراه پول از دست خواهم داد؛ چرا من نمی‌توانم از آشنایان سرمایه‌گذار جذب سینما کنم تا بتوانم یک فیلم خوب و ارزشمند بسازم؟ هیچ گوشه‌ی چشمی به بخش خصوصی وجود ندارد.

بعد از تمام این‌ها، بزرگترین ضربه را پروژه‌های «الف ویژه» به سینما وارد می‌کنند در حال حاضر سه پروژه‌ی الف ویژه در حال ساخت است و این یعنی سینمای ایران بدون بازیگر است تمام



## منوچهر شاهسواری

سینمای ما هیچ بدنه‌ی به دولت ندارد و به شدت از آن طلبکار است  
دعوی دولتی و خصوصی به معنای واقعی، دعوا تنها برای این است  
که عده‌ی جیب دولت را خالی کنند و در  
بخش خصوصی هم عده‌ی بسیار  
انگشت‌شمار، امور خودشان را در  
این بازی بگذرانند  
سیاست‌زدگی درد بزرگ و مایع رشد  
سینمای ایران است

پیشنهاد من این است که بر روی مقوله‌ی بی‌اعتمادی دولت به بخش خصوصی وقت بیشتری شود و این که چرا امکانات در اختیار کسانی قرار می‌گیرند که با استفاده از بودجه و سرمایه‌ی هنگفت قبایلهایی می‌سازند که با شکست مواجه شده و مخاطب هم ندارند اگر این اعتماد ایجاد شود، بالطبع در پی آن عدالت در اختصاص بودجه و سایر امکانات امکان‌پذیر شده و رشد بخش خصوصی بیش‌تر فراهم خواهد شد.

لطفاً جناب شاهسواری، اگر توضیح نکند، باید بیان کنید شاهسواری، من در کل معنای واژه‌ی اعتماد به بخش خصوصی را متوجه نمی‌شوم! مگر مردمی که در این مملکت زندگی می‌کنند با کشتی از جایی به آنجا منتقل شده‌اند و دولت حاکمایی وجود دارد که به آن‌ها اعتماد ندارد و آن‌ها را عوامل خارجی می‌شناسد! بنده با بخشی از مصیبت‌های آقای شایسته در باب تفاوت میان بخش دولتی و خصوصی اصلاً موافق نیستم؛ نه به دلیل این که ایشان لاشعری می‌کنند به این دلیل که مشکل آنجا نیست، ما به یکسری قوانین حقوقی، شهروندی و فرهنگی در کشوری که زندگی می‌کنیم مقید هستیم و اگر سینمایی ما نیز به تمام این‌ها مقید نبوده به یکی از بزرگترین چالش‌های فرهنگی و قومی ما تبدیل می‌شد که در حال حاضر واقعاً این‌گونه نیست. شخصیت سینمایی ما حاصل زجر کشیدن و موشکد کردن کسانی است که این سینما را تا به این‌جا همراهی کرده‌اند و شما آقای لطفاً کمی پیش‌تر این مقوله‌ی دولتی و خصوصی را مشخص کنید.

ما برای به فکر رساندن امری به منابع مالی، تجهیزات و انسانی نیازمندیم. ۱۰۰ درصد نیروی انسانی در تمامی عرصه‌های هنری متعلق به بخش خصوصی است، یعنی با تکیه بر فعالان‌ها و خلاقیت‌های فردی خودشان کسب درآمد می‌کنند. ما هیچ نویسنده، کارگردان و فیلم‌برداري که استخدام جای خاصی باشد نداریم. در ارتباط با بحث تجهیزات و مواد خام، نسبت ۶۰ به ۴۰ است، یعنی ۶۰ درصد امکانات در اختیار بخش خصوصی است؛ به عنوان مثال ما ۲ لایه‌اتر مجهز داریم که عده‌ی خدمات لایه‌اتراری سینمای ایران را متقبل می‌شوند و متعلق به بخش خصوصی هستند. عمده‌ترین تجهیزات ما که در اختیار بنیاد فارابی بوده، تعدادی دوربین ویژه به همراه گانگنوو و پوزیتو است. اصلی‌ترین چالش در منابع مالی ما است در کشوری که به احتمال رسانده‌ام و آمار رسمی‌اش بیش از ۸۵ درصد درآمد آن متکی به نفت بوده و ۱۵ درصد ملیتی به سایر منابع تکیه دارد. سینما چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ منابع مالی که دولت در

اختیار سینما می‌گذارد، نسبت به ارزش افزوده‌ی که فیلم برای کل حیات فرهنگی جامعه به ارضان می‌آورد هیچ است.

سینمای ما هیچ بدنه‌ی به دولت ندارد و به شدت از آن طلبکار است، چون کاری که در حال حاضر سینما انجام می‌دهد تماماً محصول خلاقیت‌های بخش خصوصی است؛ این که منابع مالی سینمای ایران چگونه تأمین می‌شود نقطه‌ی اصلی بحث ما است. ۸۵ درصد از کل منابع مالی در اختیار دولت است، این را جداگانه بررسی کنیم و نسبت کل درآمد به هزینه در سینمای ایران را به صورت جداگانه این که چرا بخش خصوصی بهتر کار می‌کند به مدیریت و نحوه‌ی رفتار در این بخش بررسی کرد. اگر نتوانیم، چون درآمد و هزینه‌های خود تطابق ندارند، گنجه‌ی با شکست مواجه می‌شویم. تحلیل درآمد و هزینه‌ها یک امر کاملاً تخصصی و مدیریتی است؛ این که سرمایه‌ی آن‌ها می‌آید، هزینه‌ی ندارند، موضوع مهم، مدیریت بر منابع مالی است. حال به منابع رسانده‌ام و هزینه‌ها می‌پردازیم. اگر به‌عنوان مثال، حق تعاد را به درآمد تبدیل کنیم، باید ببینیم که منابع کسب درآمد ما چیست؟ در دنیا عموماً بر این است که سینما ۲۵ درصد درآمد خود را از گیشه و ۶۵ درصد دیگر را از منابع غیراگرایی به دست آورد. در مملکت ما این ۶۵ تا ۷۰ درصد به‌عنوان درآمد در اختیار دولت است، رسانه‌های ریلی هم در کار نیستند که اگر بخوانیم به آن‌ها عرضه کنیم قدرت انتخاب بالایی داشته باشیم؛ یک رسانه‌ی واحد وجود دارد که می‌گوید محصول شما را به فلان قیمت می‌خرم، نمی‌فروشی نمی‌خرم؛ حال یکسری روابط و رقابت‌ها پیش می‌آید که قیمت خرید را تا حد اکثر ۲۰ میلیون تومان افزایش می‌دهند. به شکل کاملاً محدود این‌گونه تصور نشود که فیلمی که با ۵۰ میلیون تومان سرمایه‌ی ساخته می‌شود، ۵۰۰ میلیون تومان به فروش برسد. در این ترسیم موقعیت اگر کمی ارتفاع بگیریم می‌بینیم از ۲۵ درصدی که باید از گیشه نصیب ما شود چند درصد آن را باید به‌طور مطلق از حوزه پس بگیریم و آیا آن چیزی که حق ما است می‌گیریم؟ اگر فیلم را به بخش خصوصی که شکر خدا چرخش خوب می‌گردد ارجاع دهیم، می‌فرمایند که چک شما ۸ ماه بعد نقد می‌شود. در این میان پول بخش خصوصی که خرج اجر بر اجر گذاشتن گردیده دولت و وسایل شده و ارزش چکی که باید ۸ ماه بعد وصول شود نصف می‌گردد.

مناسبات بسیار در موقعیت‌های بسیار کلی‌تری نیز ریشه دارند، فقط تفاوت در این است که جایی فیلم مناسب برای نمایش در سینمای ایران اولیه نمی‌کنند پس می‌بینیم که کار ما با سایر اصناف



مرخصی شایسته:  
کار دولت، تنها  
سیاستگذاری و  
بستر سازی است  
  
بخش خصوصی با  
سختجانی روی پای خود  
ایستاده است  
  
اقتصاد سینمای ایران  
با این وضعیت ناپود و  
پرونده‌های آن مختومه است



نظیر کیف و کفش و پوشاک تفاوت خاصی نمی‌کند، اما خوشبختانه کسانی در این عرصه فعالیت می‌کنند که به حرفه، مملکت و زبان مادری خودشان علاقمند هستند و اجازتی ورود محصول وارداتی چیزی را به بازار خود نمی‌دهند و بر اساس همین علاقمندی است که ما هم پای سینمای ایران ایستادیم

### دعوی دولتی و خصوصی

دعوی دولتی و خصوصی به معنای واقعی، دعوی تنها برای این است که عدلی جیب دولت را خالی کند و در بخش خصوصی هم عدلی بسیار لگشت شماره امور خودشان را در این بازی بگذرانند از دعوی دولتی و خصوصی این گونه برداشت می‌شود که ما ما با یک دولت اشتراک مواجه هستیم و یا این که دولت ما با عدلی متجاوز روبه‌روست که واقعا این گونه نیست منابع مالی کشور متعلق به این کشور و مردم آن است. لانی حقوق، نظام سینمایی فرانسه چگونه توانسته در مقابل آمریکا ایستد؟ دولت به فیلمساز می‌گوید تو فیلمی به زبان فرانسه بساز من اجازه نمی‌دهم تو یک پورن منتشر کنی به خاطر این که به چیز سمعی می‌اندیشد تازه در آن جا نه حقوقی بروقعی ساخت وجود دارد نه نمایش و تدوین و نه ... شما امروز پروتکتی نمایش می‌گیرید اما به پروتکتی نمایش نمی‌دهید به شما نمی‌دهند مشکلات ما بسیار عمیق‌تر از این است. اگر من در جلسه‌ای قبل رایج به شخصیت پانچ سینمای ایران حرف زدم دلیل آن این بود که ناراضی که ما توانیم از واژه معجزی تعریف قانون بندی آرایه کنیم و این مقوله متکی به سابق مدیران و غیره باشد به جای خاصی دعوا هم رسید.

من این نکته را می‌گویم و می‌دانم که چاپ نخواهد شد در میان اوزیسون هم تکلیف به خوبی مشخص نیست و شما نمی‌دانید که فلان مدیر کل در فلان مرتبه عقیدت‌هایش با شما یکی است یا نه. ما در حوزه‌ی سابقه دارای فهمی بسیار نادرست هستیم و این باعث سرکشی می‌شود. ما منافع ملی خود را در سینما فدای منافع مقطعی خودمان در حوزه‌های سیاسی می‌کنیم سیاست‌زدگی درد بزرگ و مانع رشد سینمای ایران است مشکل دیگری که در کنار این سیاست‌زدگی گریبان گیر ماست، این است که فکر می‌کنیم

همه چیز آن اقتصادی است. سینما در کشور ما فقط اقتصادی نیست، تمام فعالیت‌های اقتصادی تولیدی یا بهره‌ی ۴ درصد دارای سود کمی عالی است، حال آن که با بهره‌ی بالای ۱۵ درصد در هیچ کجای دنیا چنین امکانی وجود ندارد و همه ورشکست خواهند شد. راه بیرون رفت از این مسئله اقتصادی وجود ندارد مگر این که آن قدر از رفاه بگیریم تا بایستیم نقش سینما در شرایط تاریخی فعلی چقدر جایز اهمیت است. اثر به نقش تاریخی سینما واقف شدیم. مسائل مالی اختلافات و شرد جل خواهند شد. می‌بینیم که بسیاری ما در حوزه‌ی فرهنگ به غیر سینما ۲۰۰۰۰۰۰۰ سال گذشته هیچ چیز دیگری نداشته‌ایم.

تمام استعدادهای درخشان ما در حوزه‌ی انیماته شعر و موسیقی همگی جذب سینما شده‌اند. اکثر سینما تولیدی‌های این ارا متمیزتر کند طی سال‌های آینده با بهران اقتصاد در نسل جوان با میانگین سنی زیر ۲۸ - ۳۲ سال روبه‌رو خواهیم شد. این‌ها بالاخره باید از جایی تخریب شوند پس از انقلاب یک جا شب شعر بود یک جا تانز بود و یک جایی این‌ها در حوزه‌ی علمی در سینما متمیزتر شده‌اند و اسل جوان این‌ها را در ان عرصه جستجو می‌کنند. که کادرا علمی است چون سینما به نام علمی نیازها پاسخ می‌دهد پس سینمای ایران به همین دلیل از این فرصت و بوع اوست.

عبارت‌های دولت از سینما حاصل‌خیز که قابل شمارش می‌آید. کره‌ی دهه‌ی ۲۰ صورت گرفتند که در حمایت و نظارت بود در کنارش حمایت هم بود. این حمایت‌ها به شدت کاهش پیدا کردند. در جلسه‌ی قبل مثال زدیم در گذشته می‌توانستیم در چند دور، مثلاً سال‌های ۷۷ - ۷۹ شما می‌توانستید با ۶ یا ۷ میلیون تومان یک فیلم سینمایی بسازید که ۵۰ درصد آن وام بانکی بود. ۱/۵ میلیون هم نباید فزونی اعتبار می‌داد که در موقع اکنون پس بگیرد پس شما با ۱/۵ میلیون نقدنگی می‌توانستید فیلمی بسازید که از آن ۲۵ - ۳۰ میلیون تومان درآمد کسب شود. الان در بهترین شرایط ما به یک فیلم تنها ۱۰۰ میلیون تومان وام اعطا می‌شود، حال آن که همان فیلمی که ۱۰۰ میلیون وام نازده هرتنه‌اش بالغ بر ۲۵۰ میلیون است. در ضمن خودتان بهتر می‌توانید طول زمان صرف نقدنگی در سینمای ایران نسبت به زمان بهره‌برداری از آن بسیار







که نمایش، توزیع و صادرات از تولید جدا نیستند و این که هر چند امروزه وزارت در عرصه سینمای کشور جایگاهی ندارد اما چون در مقطعی جایگاهی داشت می شود که این مسئله دوباره جایگاه خود را پیدا کند؟ اگر در حال حاضر بحث ما آسیب شناسی معنی است، نباید آن را مریخ کرده و بزیایش کفه و سبقت و دیوار در نظر بگیریم و ببینیم ایراد هر کدام از این ها چیست و چگونه ترمیم می شود. ما در طول این سال ها شاهد یک کاهش ۷ درصدی بودیم.

شاهسواری، در عرصه جهانی هم به همین منوال است و رکود آن به ۶۲ درصد می رسد. حقیقتاً تا چند سال پیش ما ۶۶ میلیون تماشاگر داشتیم که این رقم امروز به ۱۸ میلیون کاهش پیدا کرده است. آیا این کاهش متوجه تولید است یا معیزی و یا بخش؟ سینما یک کل است با مجموعه های بسیار زیادی از جزئیات که همه به هم پیوسته اند. وقتی در عرصه تولید و مضامین و صمیمیت مناسبی نداشته باشیم، به این رکود دامن زده می شود. یک بررسی سطحی نشان می دهد که سینمای ایران دارای یک ژانر ثابت به نام دفاع مقدس بوده و بقیه تولیدات مضامین خانوادگی دارند پس سینمای ما به لحاظ سوز و حساسیت فقیر است؛ چند درصد سینمای ما به ملنر وابسته است؟ سینمای وحشت چقدر داریم، سینمای تاریخی چقدر؟ آیا اصلاً ژانر در سینمای ما زنده بویا و فعال است؟ یا این که می فرمایند تمام این موضوعات مستقیماً به مسئله معیزی بازمی گردد؟ آیا این که نظام توزیع ما نوظلمت نیست و در ژانرهای بسیار محدودی فیلم می سازیم، به معیزی مربوط می شود؟ به این مسائل پیش تر بپردازیم. وقتی به موضوعی پرداخته شد و آسیب شناسی آن انجام گرفت آن موضوع را ببینیم و موضوع دیگری را آغاز کنیم، این گونه است که بحث هدفمند می شود.

خود آقای شاپسته از کسانی هستند که وارد عرصه سینماداری شده اند و می دانند که مشکلات آن کم تر از مشکلات تولید نیست. عرض من این است که همه سینما یکجا بررسی شود این طور نباشد که درآمد تولید، ارجح بر درآمد توزیع و عرصه های مقدم بر دیگری باشد. سینما را مجموعه ای در نظر بگیریم که همه ارکان آن در کنار هم رشد کنند. عرض این که این بحث ها دست بندی شوند و پس از آن که هر کدام به سرتمازلی رسید وارد بحث دیگری شویم؛ هر چند در دل هر بحث، بحثی دیگر نهفته است.

سایسته بحثی که شروع شده بیش تر به منابع مالی می پردازد اما همان طور که آقای شاهسواری اشاره کردند سینمای ما فقط بخش اقتصادی نیست، واقعیت این است که سینما از درون فرهنگی است؛ ما باید این گونه بحث کنیم که کار فرهنگی چگونه می تواند

از یک حرکت فرهنگی چرخ اقتصاد هم به گردش درمی آید. ما نمی توانیم به سلن دار که دقیقاً در قسمت اقتصادی فعالیت می کند بگوییم چون داری کار فرهنگی می کنی، از کرسکی بگیر، فکر می کنم اگر بحث اقتصادی را دنبال کنیم بهتر باشد.

همه ای ارکان نظام به مزایای خصوصی سازی پی بردند و در حال عمل کردن به آن هستند. گو این که در بند امر این مسئله حتی خطرناک می نمود. در مورد سینما مضمناً که گرفتار آن هستیم بحث ترکیب است؛ با توجه به روند ترکیبی که در تمامی ارکان سینما حکمفرماست اگر بتوانیم این سینما مانند چه باید بکنیم، اگر این روند ادامه پیدا کند طی چند سال آینده ما دیگر چیزی به نام سینما نخواهیم داشت. بحث دولتی و خصوصی به مرور زمان جمع خواهد شد و باید مانند بسیاری از کشورهای دنیا فیلم های خارجی خریداری کردند و در سال ها به نمایش در می آید پس باید تکلیف را روشن کنیم و به این برسیم که اقتصاد سینمای ایران اقتصادی به نام بخش خصوصی است و ما از آن حمایت می کنیم، به این شکل که نباید قراردادی سینما را در بخش تولید به مؤسسات مالی و اعتباری متصل نماید.

بارها هم عرض کردم که ما باید این واحدها و تسهیلات را پس بگیریم، چون تر غیر این صورت سینما تبدیل به یک تئلی خانه خواهد شد، به علاوه دست اندازهای کوچکتره که از یک طرف سنگ آلود ارزش را به سینه می زنند و از طرف دیگر خود را نگران اقتصاد سینما نشان می دهند، از این منابع مالی کوتاه می شود و می دانند که اگر می خواهند فیلم بسازند باید فیلمشان سرمایه را پس بدهند.

در بحث تجهیزات و منابعی دولت تهیه می کند و غیره نیست کار دولت تنها سیاست گذاری و بسترسازی است و پس حال دولت چگونه می تواند به نفع سینما بسترسازی کند؟ به این شکل که تولیدات سینمای ایران را بیمه کند پروانه های ساخت فیلم یک سند مالی قلمداد شود و دولت همه گونه از آن حمایت کند چه در مقابل حوزه و چه مقابل سایر انتقادات و با این که به عنوان مثال فیلم را بیمه می بفرست کند به این می گویند بسترسازی، در چنین شرایطی است که شما به عنوان فیلم ساز و تهیه کننده به دور از هر دخالتی فقط به ساختن یک اثر ایده آل می اندیشید در بحثی تجهیزات دولت باید ادوات ساخت را در اختیار گروه های قرار دهد که صرفاً کارشان اجازه دادن لوازم ساخت فیلم است. برای دولت واقعاً درست است که دو تا دوربینی که در اختیار دارد قلم کرده و از آن به عنوان ابزار فشار علیه سینما استفاده کند؛ این دقیقاً کاری است که کشورهای اروپایی نظیر آلمان هم بر اساس آن عمل می کنند، یعنی واگذار کردن تجهیزات به بخش خصوصی. می ماند بخش سالن که باید سالن ها به بهترین شکل ممکن تجهیز شوند برای نمایش فیلم ها و مجتمع های بزرگ ساخته شوند و در کنار این ها سرمایه وارد شده و پول به جریان بیفتد. در جریان این حرکتها و بسترسازی هست که می توانیم به ژانرهایی که جناب حقیقو راجع به آن ها بحث کردند بپردازیم و کاستی های محتوای آثار خود را جبران کنیم.

در جمهوری اسلامی وجه پیدا کند همان طور که در تمام جوامع



ادامه دارد